



قطع شد.

این حکم به خوبی ماهیت جمهوری اسلامی را نشان می دهد. حکومتی ارتجاعی که از قوانین بدوی دینی بهره می گیرد تا فقرا و فرودستانی که به اموال اغنیا دست درازی می کنند جزا دهد. طرفه اینجاست که عده ای که خود را روشنفکر را می نامند قلم خود را به راحتی خرج دفاع از اسلام رحمانی و ضرورت آشتی دین و دموکراسی می کنند اما کسی نشنیده است که کوچکترین کلامی در دفاع از انسان هایی بنویسند که فقر و فلاکت و تبعیض های حاکم، آنها را دادگاه شرع قضایی می کنند.

پلیس، اسلام و مالکین در یکسو ایستاده اند و محرومین، سرکوب شوندگان و معترضین در سوی دیگر. اگر در اروپا صدها سال از دوره ای می گذرد که کسی به خاطر دزدی نان به زندان می افتاد، جمهوری اسلامی هنوز در قرون وسطای اسلامی حکم می راند.

نه در زمانی از ویکتور هوگو، بلکه در تهران معاصر رخ می دهد:

قطع دست به خاطر سرقت شکلات

مرد ایرانی پس از قطع دست خود نیز آزاد نمی شود. وی در هر حال باید بخاطر خسارت وارده به مغازه شیرینی فروشی و مقاومت در مقابل پلیس ۶ ماه حبس شود.

بریدن دست مجازاتی در جمهوری اسلامی بخاطر سرقت است چون در این کشور احکام شریعت اسلامی اجرا می شود. مثلاً چندی پیش دست یک نفر دیگر بخاطر دو مورد سرقت در شهر «مشهد»

یک دادگاه در ایران رأی داد دست شخصی را که در دزدی شکلات مورد سوءظن قرار دارد، قطع کنند.

این مرد در اردیبهشت ۱۳۸۹ به دست مقامات قضایی افتاد. مأموران پلیس در خودروی وی ۹۰۰ دلار، سه جفت دستکش و مقدار زیادی شکلات و کاکائو کشف کردند. متهم نتوانست توضیح دهد که از کجا شکلات ها را تهیه کرده و دیرتر معلوم شد که او آنها را دزدیده است.

خبر رسانی از اعتراضات کارگری ممنوع شد

هرانا : مقامات امنیتی به خبرگزاری کار ایران (ایلنا) دستور داده اند که از این پس اخبار اعتراضات و تجمعات کارگری را پوشش ندهند.

بنا به اطلاع گزارشگران هرانا، این دستور که از سوی شورای امنیت ملی کشور صادر شده است، خبرنگاران و مسئولان خبرگزاری ایلنا را موظف کرده که از این پس اخبار کارگری خود را با دقت بیشتری بر روی خروجی ایلنا قرار دهند.

«ایلنا» طی سال های اخیر یکی از معدود منابع قانونی برای پوشش اعتراضات کارگری در ایران بوده است.

این تصمیم شورای امنیت ملی کشور در حالی صورت می گیرد که در طی ماه های اخیر اعتراضات کارگری به دلیل تعطیلی و یا عدم توانایی در پرداخت حقوق کارگران روز به روز افزایش می یابد.

هم چنین تحلیل های اقتصاد دانان حاکی از آن است که با به اجرا در آوردن طرح تعدیل اقتصادی که دولت از آن با عنوان «هدفمندسازی یارانه ها» یاد می کند به دلیل اینکه وضع معیشتی مردم را نامساعدتر می کند اعتراضات گسترده ای را در پی خواهد داشت.

اخراج از دانشگاه برای صادقی و معصومی

اخراج دو نفر از دانشجویان آزادخواه و برابری طلب از دانشگاه اصفهان کمیته مرکز وزارت علوم طی حکمی ارسلان صادقی و مازیار معصومی را از دانشگاه اصفهان اخراج کرد. ارسلان صادقی مدیر مسئول نشریه اشتراک که تمام ۱۴۰ واحد خود را در رشته ی IT گذرانده بود و مشغول تهیه ی پابان نامه ی خود بوده است، وی پیش از این نیز به خاطر شرکت در تجمعات روز دانشجو و روز زن و همچنین اعتصاب غذای ۸ روزه در دانشگاه، به دو نیمسال محرومیت از تحصیل با احتساب سنوات محروم شده بود و با وجود کناره گیری از فعالیت های سیاسی مجدداً با محرومیت مواجه شده است.

همچنین مازیار معصومی دانشجوی رشته ی فلسفه نیز که پس از آنکه از طرف ستاد خبری اداره کل حفاظت اطلاعات استان اصفهان زیر نظر سربازجو محمدی به مسدولین دانشگاه اعلام شد که «صلاحیت دانشجو بودن» را ندارد با ۶ ترم محرومیت از دانشگاه اخراج شدند. در جریان سرکوب گسترده ی دانشجویان آزادخواه و برابری طلب اصفهان ارسلان صادقی در مهر ماه و اسفند ۸۷ دو مرتبه توسط اداره کل حفاظت اطلاعات استان بازداشت و به زندان مرکزی اصفهان منتقل شده بود و پس از آن نیز بارها توسط این اداره کل و همچنین بازپرسی دادگاه انقلاب اصفهان احضار شده بود. مازیار معصومی نیز در ۲۱ مهر ماه سال گذشته به همراه ارسلان صادقی بازداشت و پس از ۱۸ روز با قرار وثیقه ۵۰ میلیون تومانی از زندان آزاد شد.

پرونده ی قضایی این دو فعال دانشجویی در دادگاه انقلاب استان اصفهان مفتوح و در حال رسیدگی است.

روسای ضد علم و طرفدار حکمت دینی

محمدرضا نقدی، رئیس سازمان بسیج مستضعفین، علوم انسانی «وارداتی» را که در مراکز دانشگاهی تدریس می شود، «جعلی» دانست و تاکید کرد که «این ها، علم نیستند زیرا اگر چنین بود فارغ التحصیلان این علوم می توانستند آمریکا را اداره کنند و مانع از سقوط این کشور شوند».

او البته نمی داند که آمریکا را نیز همان قماش اداره می کنند که در ایران. هر دوی طبقات حاکم در ایران و آمریکا به لحاظ طرفداری از معنویت و خداجویی شانه به شانه هم دارند و علوم جدید را انحرافی از کتب مقدس می دانند.

بیکرهای زخم خورده از ایران

دهان های دوخته در آتن

کمپین ۴۴ نفری پناهندگان سیاسی متحصن در آتن در بیانیه های خود بصورت کاملاً مسالمت آمیز به دولت یونان و سازمان ملل متحد ۴۴ روز فرصت داد تا به رنجنامه هایشان رسیدگی کنند و در تمامی این روزها با بی تفاوتی یا برخورد های زشت مواجه شدند تا اینکه سرانجام با صدور بیانیه ای دیگر ناچار به تغییر روش مسالمت آمیز خود شدند و صحنه هایی دردناک در خیابان های آتن آفریدند. با رسیدن تاریخ ضرب الاجل از ۱۴ اکتبر تا کنون ۲۵ نفر از اعضای کمپین به اعتصاب غذا دست زده اند، در روز اول ۵

گزارش اختصاصی خیابان از آتن

این روزها جامعه ی جهانی با صحنه های بسیار درناکی در پایتخت فلسفه و منطق قدیم جهان یعنی شهر آتن مواجه شده است، همه چیز را می بیند اما سکوت سرد رسانه ای و بایکوت خبری سیاه را پیشه گرفته است: ۴۴ نفر از پناهجویان ایرانی ۴۴ روز در مقابل سازمان های دولتی یونان تحصن کردند و پس از آن دست به اعتصاب غذا زدند و ۷ نفر از آنان دهان هایشان را دوختند. سالهاست که پناهندگان ایرانی در بدترین شرایط مجبور به ترک ایران می



نفر از اعضای کمپین لبهای خود را دوختند که در بین آنان هم یک خانم ایرانی نیز وجود دارد، از ۱۵ اکتبر لب دوختگان به ۶ نفر رسیدن در روز ۱۶ اکتبر نیز ۱ نفر دیگه اضافه شد شدند ۷ نفر. این اعتصاب غذای دردناک در حالی در حالی ادامه می یابد که پناهجویان در وضعیت جسمی بسیار بدی هستند و بارها از مجامع جهانی درخواست کمک های پزشکی کرده اند اما دولت یونان حتی از فرستادن آمبولانس خودداری می کند تا جایی که خود پناهجویان در یک مرحله مجبور به کرایه آمبولانس برای ۴۸ ساعت و قیمت ۱۸۰۰ یورو شده اند اما بعضاً بیمارستانها به دستور مقامات دولتی از پذیرش آنان خودداری می کنند. از طرف دیگر چند بار محل کمپین از سوی ماموران دولتی و گروه های فشار فاشیست یونانی مورد حمله قرار گرفته است و ضمن ضرب و شتم اعتصاب کنندگان حتی کسانی که دهانشان را دوخته بودند از سوی ماموران پلیس سیلی خوردند. پناهجویان سیاسی ایرانی که در یونان اعتصاب کرده اند از ایران مجبور به خروج شدند چرا که در ایران به زندان رفته بودند و مورد شکنجه قرار گرفته اند، تحت

تعقیب هستند و در یک مورد در تظاهرات خیابانی تیر خورده اند، آنها اکنون ۲ روز است که در زیر باران شدید قرار دارند و سرما و گرسنگی درد و رنج آنها را شدید تر می کند، اما دهان های دوخته ی آنان پاسخی است به چشم ها و گوش های بسته ی رسانه ها و مسئولین، به قول ماندانا که لبان خود را دوخته است: «ما صدای زنان و مردان زندانی در اوین هستیم» و دختر خردسال ماندانا با چشمانی اشکبار یک شاخه گل به او هدیه داد.

تصمیم امروز سندیکاهای فرانسوی مبنی بر ادامه اعتصاب و تظاهرات

سندیکاهای CFTD, CFE/CGC, CFTC, CGT, FSU, UNSA طی نشست جمعی ۵شنبه ۲۱اکتبر ۲۰۱۰ –با تاکید به یک اصلاحات عادلانه بازنشستگی واهمیت آن و گشودن باب مذاکره با سندیکاها وکل جامعه در همین رابطه

– با اشاره به اعتراضات هفته اخیر که نشان داد مشکلات فراتر از اصلاحات بازنشستگی است و مسایلی چون کار،دستمزد،شرایط کاری و آینده جوانان بی پاسخ مانده است ویس از بحران مالی سال ۲۰۰۸ وخیم ترهم شده است وتصمیم همکاری سندیکاها برای به چالش کشیدن دولت وکارفرمایان در این موارد در هفته های آینده –با توجه به اعتصابات،تظاهرات های خیابانی ونظرسنجی های اخیر که نشان دهنده حمایت حقوق بگیران،جوانان واکثريت مردم فرانسه از این اعتراضات وادامه آن در مقابل لجاجت دولت ورئیس جمهوری باشد.

–با درخواست از دولت ونمایندگان مجلس از پس گرفتن این اصلاحات و یادآوری مسئولیت کامل دولت دررابطه با پیامدهای این حرکات اعتراضی تصمیمات زیر را در راستای ادامه وگسترش حرکات اعتراضی گرفتند:

روز ۵شنبه ۲۸ اکتبر روز ملی اعتصاب وتظاهرات درهفته رای مجلس به این اصلاحات و روز شنبه ۶ نوامبر روز اعتراض وتظاهرات در آستانه اعلام این قانون توسط رئیس جمهور و روز ۴نوامبر درهمین رابطه سندیکاها مجددا جلسه ای برگزار خواهند نمود

گزارش ناصر از پاریس.

لازم به ذکر است که فرانسه در چند روز گذشته شاهد بزرگترین اعتصابات و راهپیمایی های کارگری در اعتراض به دولت فاشیستی و ضدکارگری سارکوزی بوده است. دولتی که تلاش دارد دستاوردهای اجتماعی کارگران را بازپس بگیرد. در این اعتصابات چندین میلیون نفر شرکت کننده اند.

خانواده ی مجید دری در شوک تبعید به بهبهان

مجید دری دانشجوی محروم از تحصیل و زندانی سیاسی در میان زندانیان خطرناک با اتهامات قتل و مواد مخدر زندان بهبهان در تبعید به سر می برد و خانواده ی او نیز به علت طولانی بودن مصافت و اطلاع نداشتن از روزهای ملاقات زندان بهبهان هنوز موفق به ملاقات با او نشده اند.
مجتبی دری برادر این فعال دانشجویی اذعان کرد ما هنوز در شک انتقال مجید به بهبهان هستیم اما برای انتقال وی به زندانی در نزدیکی محل سکونت خود تلاش می کنیم و حتی دادستانی قول هایی در اینباره داده است اما هنوز هیچ پاسخ روشنی به ما داده نشده است و ما همچنان امیدواریم،وی افزود: زندان بهبهان به دلیل مصافت طولانی که با محل سکونت ما در کرج دارد نا مناسب ترین گزینه ای است که در نظر گرفته شده و آن را جریمه ای برای پدر و مادرش دانست زیرا که برای ملاقات با فرزندشان می بایست کیلومترها دور تر از محل سکونت خود برای ملاقات چند دقیقه ای با فرزندشان بروند.

این فعال دانشجویی به دلیل فعالیت هایش برای دفاع از دانشجویان محروم شده از تحصیل به شش سال زندان محکوم شده است.



فیس بوک،

نماد جهان جدیدی که بر می آید؟

وحید ولی زاده

از مشتری های محلی گرفته تا مشتری های بین المللی. و شرکت های بزرگ بسیار مشتاقند تا هزینه ی تبلیغات را در جایی خرج کنند که بهترین بازده را داشته باشد. مالکین فیس بوک در نتیجه پول خود را از شرکت های دیگری به دست می آورد که فروش کالایی را تبلیغ می کنند. در واقع این شرکت ها بخشی از سود فروش های خود را به فیس بوک می پردازند تا فروش بیشتر بعدی آنها تضمین شود. درنتیجه اگر چه شما در فیس بوک برای فعالیت خود هزینه ای نمی پردازید، اما در واقع این هزینه را شما، شهروندان جهان، در جایی دیگر پرداخت می کنید.

هرچه این جهان شهر شهروندان بیشتری داشته باشد، قیمت بهتری را می توان برای بیلبوردهای دیجیتال تبلیغاتی اختصاص داد. هر چه من و شما مشارکت بیشتری داشته باشیم، شبکه های بیشتر و بزرگتری سازمان دهیم، زمان بیشتری از روز و شب را در این جهان شهر سپری کنیم، به فزون شدن درآمد کمپانی کمک می کنیم. یعنی، به بیرون کشیده شدن سود از گرده ی شهروندان عادی جهان و تمرکز آن در جیب اقلیتی محدود در جهان کمک یا مشارکت می کنیم.

فیس بوک به طرز شگفت انگیزی نمودی از ایدئولوژی سرمایه داری نیز است. سطح نوین رفاهی و بهره مندی که تنفس در جهان شهر فیس بوک به همراه دارد با نام های بزرگ شرکت های بین المللی گره خورده است. فیس بوک، گوگل، اپل، و ... امروزه کمپانی های فوق بزرگی اند که به نظر می رسد در بهره مند سازی مردمان چهارگوشه جهان نقش عمده ای بازی کرده اند. بهره مندی گسترده از رسانه های اجتماعی، همراه است با نوعی قدردانی از کمپانی هایی که باعث شده اند چنین امکاناتی به رایگان در اختیار همگان قرار داده شوند. این مسأله مغفول می ماند که شکل گیری این جهان شهر جدید، محصول تاریخی از فعالیت های سازنده و مولد بشری است. تکامل و انباشت دانش انسانی و کار برنامه ریزان، تحلیلگران و مولدانی است که تولید این فضا را ممکن کرده اند. اینکه اقلیتی به پشتوانه ثروت و استثمار، قادر شده اند این مجموعه های دانش و کار بشری را به

در اقصا نقاط این شهر جهانی رخ می دهد مطلع شوند، زمان را صرفه جویی کنند و مکان را گسترش دهند. هراسناک اما اینجاست که تکامل شتابنده ای به سوی یک دروازه ی تنگ طی شده است. به این معنا که اکنون تنها بایست در فیس بوک عضو باشی تا باشی، تا خوانده شوی و دیده شوی و دیگر شهروندان را بخوانی و ببینی. جهان شهری که نمی توانی شهروند آن نباشی و از هوایش تنفس کنی. تمام این جهان جدید از دروازه ی یک وبسایت قابل دسترس است. دروازه ای که گشوده می شود به شهر جهانی که در تملک یک کمپانی است.

فیس بوک همزمان فضا و کالا است. فضایی که به رایگان در دسترس ماست. و کالایی که فروخته می شود. آنچه که ما در فیس بوک انجام می دهیم رایگان است. شما می توانید بی شمار استفاده ی رایگان از آن کنید. بیش از آن، شما قادرید همه آن امکانات را در اختیار بگیرید و برای هر هدفی که خود می خواهید از آن بهره مند شوید. کارزاری علیه این یا آن رژیم و قدرت به راه اندازید. حرف های خود را آزادانه منتشر کنید. دوستانی جدید پیدا کنید و دانشی جدید کسب کنید. اما شما هر چه بیشتر در این جهانشهر حضور داشته باشید، هر چه بیشتر فعالیت کنید، هر چه بیشتر آن را رونق بخشید، به سودآوری کمپانی کمک کرده اید. کمپانی ای که در اوج بحران اقتصادی جهانی نیز، سودآوری خود را نه تنها از دست نداده، بلکه از بالاترین نرخ های سود بهره برده است. اما فیس بوک چه کالایی را می فروشد اگر همگان از آن رایگان بهره می بریم؟ منشأ این سود کجاست؟

فیس بوک بیلبوردهای هوشمند تبلیغاتی را در این شهر می فروشد. با ردگیری اتوماتیک فعالیت های هر عضو از طریق طبقه بندی محتواها و کلیدواژه های فعالیت های هر عضو، اطلاعات هر کاربر دسته بندی می شود. تحصیلات، شغل، ترجیحات، علائق، سن و سال، محل سکونت، و ... اکنون می توان هر تبلیغاتی را در معرض نمایش افرادی قرار داد که مخاطبین بالقوه آن تبلیغات هستند. حال می توان در مقیاسی بی سابقه فضاهای تبلیغاتی به هرگونه مشتری ای فروخت.

نام خود سند بزنند و پس از بسته بندی به فروش برسانند، بیش از آنکه قدردانی بطلبد، شورش می طلبد.

از طرف دیگر فیس بوک معنای جهان ما را نیز نشان می دهد. پویایی، سرزندگی، جان و شرر این جهان شهر از فعالیت شهروندانش است. این فیس بوک نیست که منبع ارزش است. این کاربران فیس بوک هستند که منبع ارزش هستند. هرچه انسانهای بیشتری عضو فیس بوک می شوند، قیمت سهام کمپانی بالاتر می رود.

فیس بوک به تمامی آینه ی یکپارچگی دنیاست. هیچگاه مردمان چنین در مقیاسی جهانی به یکدیگر پیوند نخورده بودند، به مشارکت کنندگانی رسانه ای بدل نشده بودند، اجتماع سازی نکرده بودند. اما این همه در عصری است که در تمام دنیا اکثريت شهروندان عادی به طور روزمره بی حقوق می شوند، محروم می شوند، مورد بهره کشی و سرکوب قرار می گیرند. از تهران گرفته تا پاریس. از حومه های کپنهاگ گرفته تا لاپاز. همین هفته دولت انگلستان چنان برنامه ی اقتصادی ای را علیه توده مردم به پیش گذارده که روی تاجر سفید شده است. بالا بردن سن بازنشستگی درجهان، افزایش ساعات کار، ممانعت از تشکلات نیروی کار، ترور فعالین سندیکایی و صدها موردی از این دست، منبع پولی است که شرکت های بین المللی و یا داخلی به فیس بوک می پردازند تا ارزشی که از فعالیت نیم میلیارد انسان بدست آمده است را بخرند.

چند دهه پیش، مجموعه مبارزات و جنبش های مردمی در جهان، در پی ملی کردن صنایع بزرگ و مادر خود بودند. آن زمان مردم و کارگران صنایع بزرگی که عمدتا در تملک شرکت های انگلیسی یا آمریکایی بود، مبارزه می کردند تا آن صنایع را از چنگال مالکین آنها در آورده و کنترل و مدیریت آن را در اختیار جامعه قرار دهند. ملی شدن، خواستی برای دگرگونی در مالکیت آن مراکز عمده ی تولید اررش در جامعه بود. خلع مالکیت شرکت های بزرگ و اجتماعی شدن مالکیت آن در مقیاس ملی. امروزه اما جهان بسیار تنیده تر از قبل است. فیس بوک نماد جهان جدید مسلط است. چیزهایی مفید پراکنده در بیابانی از فلاکت. جهان جدیدی که خواهد بالید اما با مبارزه برای اجتماعی کردن مالکیت در مقیاسی جهانی رقم خواهد خورد.